

# مردم‌شناسی مرگ

همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی

به کوشش:

علیرضا حسن‌زاده

با همکاری:

مریم عباسی، پرویز فیضی



پژوهشگاه مردم‌شناسی



پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

مرکز اسناد فرهنگی آسیا  
Asian Cultural  
Documentation Center  
for UNESCO



سازمان بهشت‌زهراس  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



موزه ملی ایران



کتابخانه ملی ایران  
پژوهشگاه ملی اسناد و کتابخانه ملی



انجمن ایران



بهمن ماه ۱۳۹۴

|                      |                                                                                                               |
|----------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه              | همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی (نخستین: ۱۳۹۴: تهران)                                                        |
| عنوان و نام پدید آور | مردم‌شناسی مرگ، همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی / به کوشش علیرضا حسن‌زاده، با همکاری مریم عباسی، پرویز فیضی. |
| مشخصات نشر           | تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۴.                                                                 |
| مشخصات ظاهری         | ۲۱۸ ص.                                                                                                        |
| شابک                 | ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۹۵۳ - ۸۴ - ۷                                                                                     |
| وضعیت فهرست نویسی    | فیفا                                                                                                          |
| موضوع                | مرگ - کنگره‌ها                                                                                                |
| موضوع                | سوگواری‌ها - ایران - آداب و رسوم - کنگره‌ها                                                                   |
| شناسه افزوده         | حسن‌زاده، علیرضا، ۱۳۵۰ - گردآورنده                                                                            |
| شناسه افزوده         | عباسی، مریم، ۱۳۶۲ - گردآورنده                                                                                 |
| شناسه افزوده         | سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی                                                |
| شناسه افزوده         | سازمان بهشت‌زها (س) (همکار همایش)                                                                             |
| شناسه افزوده         | پژوهشگاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، مرکز اسناد فرهنگی آسیا (همکار همایش)                                    |
| شناسه افزوده         | پژوهشکده مردم‌شناسی (تهیه کننده)                                                                              |
| رده‌بندی کنگره       | ب. ۳۹۴ / ۸ - BD ۴۴۴                                                                                           |
| رده‌بندی دیویی       | ۱۱ / ۵                                                                                                        |
| شماره کتاب‌شناسی ملی | ۱۱۷۲۵                                                                                                         |



پژوهشکده مردم‌شناسی



پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

عنوان: مردم‌شناسی مرگ

به کوشش: علیرضا حسن‌زاده

با همکاری: مریم عباسی، پرویز فیضی

ویراستار علمی و ادبی: علیرضا حسن‌زاده

بازبینی نهایی: علیرضا حسن‌زاده

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۹۵۳ - ۸۴ - ۷

طراح و عکس جلد: بهمن رحیمی

عکس روی جلد: نادر سوری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: زهرا آیند

لیتوگرافی و چاپ صحافی: چاپ کهن

نوبت چاپ: ۱۳۹۴

قیمت: ۲۰۰/۰۰۰ ریال

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

چاپ نخست

نشانی: تهران، خیابان امام‌خمینی (ره)، ابتدای خیابان سی‌تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری تلفن: ۶۶۷۳۶۴۵۲-۶۰

نشانی اینترنتی: [www.ichtobook.ir](http://www.ichtobook.ir) رایانامه: [ch.publish@yahoo.com](mailto:ch.publish@yahoo.com)

پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

[Anthropological Research Center@gmail.com](mailto:AnthropologicalResearchCenter@gmail.com)

## فهرست مطالب

|    |                            |
|----|----------------------------|
| ۹  | دیباچه                     |
| ۱۱ | مقدمه مهندس سید محمد بهشتی |
| ۱۳ | مقدمه مهندس اکبر توکلی     |
| ۱۵ | مقدمه دکتر حسینعلی قبادی   |
| ۱۷ | مقدمه دکتر سعید خال        |
| ۲۱ | مقدمه دکتر علی بنیاده      |
| ۲۹ | مقدمه کوشند                |

## فهرست مقالات

|     |                                                                                                       |
|-----|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۳۱  | بررسی وجوه اشتراک آیین سوگ سیرش با مراسم آیینی چمر<br>کتایون مزداپور، موهبت پیرغیبی                   |
| ۴۵  | بررسی ریشه‌شناختی واژه‌ی «مرگ»<br>قریبا شریفیان                                                       |
| ۵۵  | بازخوانی معناشناختی مرگ در آثار صادق هدایت، با نکیه رزاقی و گور،<br>شیرزاد طایفی                      |
| ۷۳  | پیوندهای میان آیین‌های مرگ و ساختار سیاسی در جوامع کوچ رو<br>مهدی حیدری                               |
| ۸۵  | بررسی مردم شناختی مراسم سوگواری اعراب خوزستان<br>مهتاب سلیمانی اصفهان                                 |
| ۹۹  | بررسی موقعیت و وضعیت گورستان‌های قدیمی و کنونی شهر تبریز<br>مینا کلاهدوز محمدی، ماندانا کلاهدوز محمدی |
| ۱۲۵ | سوگواری در ایل بختیاری<br>ندا حسین طهرانی، بهمن رحیمی                                                 |
| ۱۳۷ | تعامل حسی مردگان و زندگان در دهستان برزورد<br>سمیه کاظمی                                              |

- ۱۴۹ آیین‌های مرگ و سوگواری در فرهنگ مردم ایران  
سید علیرضا هاشمی
- ۱۶۹ سالمرگ‌های نسخه‌های خطی اوستا  
سالومه غلامی
- ۱۸۱ مرگ در آیین اهل حق  
مینوسلیمی
- ۱۹۳ سوگ آواها و هویت فرهنگی اقوام ایرانی  
بهروز جدانه
- ۲۰۱ «دخاله» مردم‌شناختی آیین و مراسم «مرگ» در روستای چنار سفلی (شیخ)  
پرویز فیضی
- ۲۱۳ معرفی ساختار «می»، «ای» همایش و مشارکت کنندگان

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت تربیت ملی می‌باشد که علیرغم تنوع و تکثر موجود در جامعه امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر گروه نکرده پژوهشگاه میراث فرهنگی برخی از فرهنگ گسترده ایرانی حسب تکلیف تعیین شده برآن، متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی استقرار یافته در منطقه نیز تامل نمود.

با نگرش سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پر رنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای ایرانی، دسته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه برشمرده برای پژوهشگاه، گام مناسبی این است که گزیده تحقیقات معمول شده در هر یک از پژوهشگاه‌ها به ویژه آثاری که حاصل نتایج مشترک پژوهشگاه و موسسات تحقیقاتی و آموزشی هم‌مطراز بین‌المللی به صورت ممکن در وضعیت نشر قرار گیرند که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه استراتژی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

بار دیگر اذعان می‌نمائیم پژوهش عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل موثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه ساختن برنامه‌های دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت بخشی ایران باشد.

به علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تاثیرگذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می تواند اولین گام باشد لذا پژوهشگاه برآن است با همکاری پژوهشگران و استادان این رسالت را انجام دهد و امیدوار است با حرکت در این مسیر دست همیاری و همراهی شما را در دست گرفته تا بتواند گام موثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

## مقدمه ریمین پتو، شاه میراث فرهنگی و گردشگری

آن گونه که اندیشمندان و فلاسفه جهان سخن گفته‌اند، آنچه انسان به مثابه صورت‌های گوناگونی از فرهنگ و تمدن خلق می‌کند، کوشش انسان در مبارزه با نیستی و فراموشی و تلاشی سترگ و مداوم به منظور خلق زندگی و آفرینش است. شاید به این دلیل است که در هنرهای سنتی و ملی ایران، همواره هنرمندان بعدی این هنر خود می‌دادند. از سوی دیگر، در فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی، مرگ به معنی نیستی و روال نیست. در این فرهنگ و تمدن، مرگ دریچه‌ای به سوی معنا و زندگی راستین و سفر به قلمرویی وسیع‌تر است و هستی است. در سایه چنین رویکرد و اندیشه‌ای است، که مرز میان مرگ و زندگی در فرست و تمدن ایرانی کم‌رنگ‌تر از فرهنگ‌های دیگر جهان است و مرگ، همواره به اشکال گوناگون، به کمک آیین، هنر و ادبیات، خود بهنجایی سحرانگیز از زندگی و هستی جاودان تبدیل می‌شود. در اینجا است که مرگ خود همواره نمادی از زندگی بوده و گستره‌ای از تصادم دو نیروی متضاد و مخالف را در برابر هستی و زندگی به نمایش نمی‌نهد. در چنین فرهنگی است که ادبیات و هنرهای عرفانی، همگی در خدمت درک زندگی جاودان به شمار می‌آیند و لباسی از حیات جاودان بر تن مرگ می‌پوشانند، تا آدمی دریابد که حیات و معنویت به زندگی کوتاه او بر روی زمین نیست. این نگاه بعدی کیهانی به زندگی می‌بخشد و مرگ دیگر تابوت آدمی که سفینه‌ای است که او را به جهانی بزرگ‌تر خواهد برد.

چنانچه همه تلاش‌های بی‌پایان انسان از آغاز تا امروز را برای خلق و ایجاد تمدن، تلاشی برای ستایش هستی و زندگی بدانیم که نیستی و فراموشی را از انسان دور می‌نماید، آنگاه توجه به معانی فلسفی و انسان‌شناختی مرگ، اهمیتی بسیار افزون‌تر می‌یابد. میراث فرهنگی تنها مفهومی نیست که صورت ملموس یا ناملموس آن در سیمای بنایی کهن یا مقام و ترانه‌ای قدیمی به گوش رسد، بلکه فراتر از آن، امروزه می‌باید به معانی فلسفی و هستی‌شناختی میراث فرهنگی توجه نمود. میراث فرهنگی در همه جلوه‌های فراوان خود، حامل معنایی عمیق و فرهنگی در تعریف زندگی و جهان است، و بر این اساس؛ بعد جهان‌شناختی و هستی‌شناختی دارد. به عبارت دیگر، میراث فرهنگی بدون چنین بعد مهمی که با اندیشه و تأمل عجین است، به هیچ وجه به وجود نمی‌آید. در اینجا میراث

فرهنگی آینه فکر و نگرش انسان است. شاید به همین دلیل است که امامان ما دیدار از آرامستان‌ها را وسیله‌ای برای هوشیاری و آگاهی می‌شمردند.

یکی از دلایل آسیب‌هایی که از پس از نوسازی به میراث فرهنگی ایران وارد شده است، جدا افتادن جلوه‌های ملموس و عینی آن از نظام جهان‌شناختی، معرفتی و نظام باورهای مردم و جامعه است. به این دلیل، یکی از وظایف پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری فراخواندن جامعه به درک و مشاهده مجدد ابعاد فلسفی و هستی‌شناختی میراث فرهنگی است. بر این اساس است که برگزاری همایش‌هایی چون همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی معنایی بیشتر می‌یابد. کشف معانی عمیق و پنهان فلسفی در آنچه میراث فرهنگی و تمدنی ما را به وجود آورده است، به همان اندازه مرمت و حفاظت از انسان ارزشمند و حیاتی است. امید است برگزاری همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی، توجه جامعه و اهل پژوهش و علم را به اهمیت این جنبه و بُعد از میراث فرهنگی معطوف سازد و آغاز حرکتی ارزشمند در این مسیر تلقی شود.

سید محمد بهشتی

دی‌ماه ۱۳۹۴

## به نام نامی دوست / که هر چه هست از اوست

مقدمه مدیر عامل سازمان بهشت زهرا (س) و شهردار حرم مطهر حضرت امام خمینی (ره)

شهرنشینی به مفهوم شهر صنعتی و خدماتی قدمتی کمتر از ۲۰۰ سال دارد. طی این مدت و بنا به دلایل مختلف از جمله صنعتی شدن، و مهاجرت، بیشتر در شهرها و رفاة نسبی زندگی شهری سبب توسعه هر چه بیشتر شهرنشینی و درعین حال شکاگری و افزایش مشکلاتی مانند جمعیت زیاد، مشکلات مسکن، آلودگی هوا و مشکلات اجتماعی و فرهنگی شده است.

در چنین شرایطی مدیریت شهری وظیفه رفاة و آرامش نسبی در شهرها را بر عهده دارد. و شیوه اداره کردن شهرها متأثر از سیاستهای عمرانی دولت و قانون اساسی و درجه مشارکت شهروندان هر کشور است. مفهوم مطلب فوق این است که مردم یا شهروندان باید یک سلسله نیازهای مشترک می باشند که هر یک به تنهایی قادر نیستند آنها را بطور انفرادی برآورد نمایند. اگر فضاهای شهروندی در شهرهای معاصر را به دو دسته تقسیم کنیم: ۱- فضاهای مدرن، مثل پارکها، مراکز فروش مدرن، فرهنگسراها، میادین و پلاژها ۲- فضاهای سنتی مثل بازارها، امامزادهها، آرامستانها، باغها و مساجد. این یعنی فضاهای شهروندی هم زندگی را شامل می گردد و هم مرگ را. هم شادی و هم غم را. از این رو در می یابیم که امروزه فاصله بین زندگی و مرگ بیش از پیش نزدیک و نزدیک تر شده است.

در شهر تهران نیز به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران موارد فوق با شدت بیشتری مصداق دارد؛ و امر مدیریت شهری در کلان شهر تهران را با دشواری مواجه نموده است.

در شهر تهران شهروندانی متدین و انقلابی زندگی می کنند که اخلاق و معنویات برای آنان در هر دو جنبه زندگی و مرگ اهمیت زیادی دارد. بهترین و کامل ترین مطلبی که می توان در این زمینه

عنوان کرد حدیثی از حضرت امام حسن (علیه السلام) است که فرمودند: برای دنیاییت طوری زندگی کن که انگار تا ابد زنده‌ای و برای آخرت طوری زندگی کن که انگار فردا خواهی مرد! نتیجه اینکه گروهی مرگ را پایان زندگی و فناى انسان می‌دانند و معتقدند که با مرگ همه چیز از بین می‌رود و نشانه‌ای از انسان باقی نمی‌ماند؛ اما به واقع مرگ انتهای کار نیست بلکه دریچه‌ای است برای زندگی نوین؛ و انسان بعد از مرگ به حیات جدید و عالمی نو و برتر از جهان ماده و طبیعت قدم می‌گذارد.

قرآن، مرگ را فناى انسانیت و پایان زندگی بشر نمی‌داند، بلکه حیاتی جاوید را برای انسان بیان می‌کند و البته با ترسیم راه و روش زندگی سالم و شرافتمندانه سبک زندگی اسلامی - معرفتی را تبیین می‌کند که چگونه زیستن و چگونه مردن را در خود جای می‌دهد.

اکبر توکلی

زمستان ۱۳۹۴

## مقدمه سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در نظرگاه عرفان اسلامی، آنچه جهان برون و جهان پسین آدمی را می‌سازد، همین جهان درون، یعنی، معرفت و عمل، رفتار است. مرگ از دیدگاه عارفان ما، حاصل جمع زندگی است. لذا نه انقطاع و گسست است، نه اضراب و وحشت، بلکه انس و خلوت با خالق است، به قول مولوی: «مرگ ما هست و عروسی ابد»، یا آنجا که می‌فرماید:

مرگ اگر مرد است، گو نزد من آی، تا در آغوش بگیرم تنگ تنگ  
من ز او عمری ستانم، بودا، او ز من دلقی ستاند رنگ رنگ

از این روی، توجه هرچه بیشتر، سرانجام، وقوع آن را پذیرفتنی‌تر و مأنوس‌تر و شناخته‌شده‌تر خواهد ساخت. عنایت به حقیقت مرگ در عالم سر، ایستادگی و همه فتنون، زندگی را معنی‌دارتر و عمیق‌تر می‌سازد و برخلاف برخی سطحی‌نگران که نتیجهٔ ما کوسانان دریافت‌اند، مقدمات زیبای مرگ که همان زندگی است، چنانچه هنرمندانه و هنرشناسانه و هنرورزانه طی شده، نجاس آن را نیز نیکو خواهد ساخت، سخن و تبیین مولوی این دقیقه را زیبا به تصویر می‌کشد:

از جمادی مردم و نامی شدم  
مردم از حیوانی و آدم شدم  
حملهٔ دیگر بمیرم از بشر  
وز ملک هم بایدم جستن ز جو  
بار دیگر از ملک قربان شوم  
پس عدم گردم چون ارغنون  
مرگ دان آنک اتفاق امتست

و ز نامم به حیوان بر زدم  
پس حیاتم کی ز مردن کم شدم  
تا برارم از مایک و سر  
کل شیء ملک لا به  
آنچ اندر وهم ناید آن نوم  
گویدم که انا الیه راجعون  
کاب حیوانی نهان در ظلمتست

در عالم ماده، مرگ و زندگی متضادند. مفهوم زندگی، نظم و سازواری است و مفهوم مرگ بی‌نظمی و ازهم پاشیدگی!

اما اگر قرار باشد تضاد بین زندگی و مرگ حل شود، مستلزم طی شدن فرایندی است که مولوی پیشنهاد می‌کند:

غلبه نفس جمادی بر مرگ، مستلزم ظهور نفس نباتی است و غلبه نفس نباتی بر مرگ، ظهور نفس حیوانی است و ... فرایند تکامل و نوبه‌نو شدن نفس انسان فرایندی بسیار پیچیده است!  
در کنار مولوی، سعدی، ایستاده که راه برون‌رفت از مرگ را چنین تصویر می‌کند:  
رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند  
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت!

یک قرن بعد حافظ، فرایند تبدیل مرگ به زندگی جاودانی را عشق می‌داند!

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق  
ثبت است در جریده عالم دوام ما  
اما این «جریده عالم» چیست؟

بخشی از «جریده»، قبل از انسان ساخته شده است و بخشی به وسیله و با مشارکت خود انسان!

از وقتی انسان در ساختن جریده عالم ورود کرده، نام آن فرهنگ و تمدن شده است. انسان می‌کوشد از طریق انسانی کردن هستی خود را جاودان کند!

به رغم همه تنوع‌ها و تکثرات گوناگون در میدان زندگی امم و ملل، همت اصلی بشر، پیمودن مسیر استکمالی است. بشر می‌خواهد خود را کامل کند و الگوی او، در این راه، خالق بشر است!

ملت‌ها بنا به محدودیت‌های خود، فرهنگ خود را می‌سازند و آرزو دارند خود را در جریده فرهنگی خود جاودان کنند!

محدودیت، تکثر و تنوع می‌سازد و تنوع اسباب تفرق است و تفرق، اختلاف می‌سازد و اختلاف، نزاع می‌آفریند و نزاع ادخال استعمار و استعمار و ... می‌کشد.

آنگاه خدا از طریق «برنامه» را می‌فرستد که فرایندهای اصلاحی را بر فرهنگ بشر اعمال نماید! مثلاً می‌فرماید با آنکه شما با صدها شعب و قبایل آفریده‌ایم تا بتوانید همدیگر را بشناسید و بدینوسیله هر یک در حضور سیطره فرسعی خرد، راه استکمال را بیمایید؛ اما برای پیشگیری از اختلاف و تفرق و پاشیدگی و ویرایش و جنگ، معیار تقوی را بشناسید و براساس آن در تعاملات اجتماعی، بین‌المللی و جهانی عمل کنید!

آرمان امت واحد دین اسلام و حتی ادیان ابراهیمی، با هدف آفرینش فرهنگ یا جریده واحد است که در آن هر عضو این امت واحده جایگاه استکمالی ویژه خود را خواهد داشت!

استقرار در فرهنگ یا جریده امت واحده یعنی عبور از مرحله مرگ و زندگی و فرازوی از سلطه تکثر و تنوع متزاحم و پیوستن به جاودانگی است!

خدا چنین می‌خواهد! یعنی در قرآن در این برنامه مدون برای امتکمال انسان، خدا می‌خواهد که انسان با ورود به زندگی جمعی به متن آن جریده «جاودانه سرشت» وارد شود که فرمود:

«فادخلی فی عبادی و ادخلنی جنتی!»

ظاهراً این جنت می‌تواند جامعه ایمانی مؤمنان یا بندگان خدا نیز باشد که بالذات فرهنگی خواهد داشت و مدنیتی و نظاماتی و آدابی و ارکانی و مراتبی و مناسباتی و...

و این جامعه و فرهنگ آن پایدارترین ساختار بشری است که ضامن دوام و بقای زندگی فرد و اجتماعی نوع، هم در موقعیت زیستانی اوست و هم در موقعیت تاریخی و فراتاریخی نوعیت بشر!

و این در کلیت تاریخ و در کلیت آفرینش و در کلیت انسان طنین دارد!

تکیه بر خدا و توفیق از اوست

حسینعلی قبادی

بهمن‌ماه ۱۳۹۴

# نام خدای مرگ و زندگی

## مرگ را دانم ولی تا کوی دوست

### راهی ار؛ نزدیک تر دانی بگو

#### مقدمه معاون فرهنگی اجتماعی: شب و روز مرگ و عضو شورای سیاست گذاری مایش

به بیان و سخن امیر مومنان (علیه السلام) بالاترین اسرار الهی مرگ است. مرگ تولدی دیگر؛ راهی نوین و حیاتی دوباره است. مرگ دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. نام مرگ با زندگی عجین شده است. مرگ درون زندگی است و حیات جاودانه به واسطه مرگ است. شاید اگر مرگ وجود نداشت؛ نامیرایی یکی از بزرگترین شکنجه‌های بشری بود. مرگ جزیی از هویت انسان بوده است. انسان‌ها به معنای واقعی کلمه فنا ناپذیرند. همه باید بدانند و از همه مهمتر؛ بپذیرند که که سرنوشت نهایی همه ما مرگ است و مرگ آغاز است و پایان نیست. و مرگ، آغاز زندگی و حیات جاودانه است و چه زیبا سهراب گفت: و ترسیم از مرگ ...

مرگ پایان کبوتر نیست ...

مرگ در ذات شب دهکده از صبح سخن میگوید ...

مرگ با خوشه انگور می‌آید به دهان ...

و اگر بشر و آدمی این خوشه انگور را هر روز با زندگی خود عجین کند و از یاد مرگ لحظه‌ای غافل نشود؛ تحول عظیم و شگرفی در زندگی او بوجود می‌آید و براستی که پذیرش مرگ؛ کیفیت زندگی بشر را متحول می‌کند و آنگاه که نیک بیاندیشیم؛ در خواهیم یافت که مرگ در جهت ارتقاء زندگی انسان چه نقش حیاتی ایفا می‌کند.

از سویی آرامستان‌ها روایتگر تاریخ و فرهنگ و هویت یک جامعه هستند. بیانگر رویکرد انسان‌ها به مهمترین پرسش‌های حیات؛ زندگی و مرگ می‌باشند. امروز باید آرامستان‌ها را در کنار بوستان‌ها

تعریف کرد. اگر بوستان‌ها و پارک‌ها را تنفس‌گاه طبیعی شهرها بدانیم. آنگاه بدون شک آرامستان‌ها نیز تنفس‌گاه فرهنگی و هویت شهرند. از این‌روست که در فرهنگ تشیع و به کلام بزرگان دینی نیز گفته شده است: هرگاه خیلی شاد و یا خیلی غمگین هستید؛ حتماً به آرامستان‌ها پناه ببرید. یاد مرگ نقطه‌ی تعادل و آرامش است. بزرگترین درسی که «مردم‌شناسی مرگ و زندگی» به ما می‌دهد این است که مرگ؛ بزرگترین هدیه الهی به بشر ناتوان است. شناخت مردم‌شناسی مرگ یقیناً بیشتر به درد زندگی امروز ما می‌خورد. و چه زیبا گفت زنده یاد فریدون مشیری عزیز؛ شاعر معاصر کشورمان که: «نامش مرگ؛ آنچه درس می‌دهد؛ زندگی است.» و برآستی آنچه که درس می‌دهد؛ زندگی است. در بیان عرفا و ادبای ایرانی نیز مرگ جایگاه سترگ و ویژه‌ای دارد. به بیان مولانا مرگ به زیبایی هر چه کمتر تصویر شده است. جلال‌الدین محمد رومی بلخی در دیوان شمس تفسیر بسیار زیبا و شگرفی از مرگ دارد. به بشر توصیه می‌کند که از این مرگ مترسید و اگر بتوانید این مرحله را سپری کنید برنده واقعی باشید و شاه و امیر واقعی کسی است بتواند قفس زندان نفس خویش را بشکند و بشر بعد از آن به نجات بالاتر خواهید رسید ...

کزین خاک برآیید سماوات بگیرید

که این نفس چو بندست و شما همچو اسیرید

چو زندان بشکستید همه شاه و امیرید

بمیرید؛ بمیرید وزین مرگ مترسید

بمیرید؛ بمیرید و زین نفس برید

یکی تیشه بگیرید پی حفره زندان

مع الوصف اقدام شایسته و درخوری که با همت زنده‌یاد مردم‌شناسی برای اولین بار تحت عنوان «همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی» در کشور صورت پذیرفته است شاید پاسخ مناسب و درخوری باشد برای سرگشتگی انسان امروز که هویت خویش را از دست داده است. هویتی که بخش اساسی آن با زندگی و مرگ گره خورده است. یقیناً فهم و شناخت مرگ و زندگی و یا به بیانی دیگر «مردم‌شناسی مرگ و زندگی» کمکی به بشر امروز در جهت یافتن سوالات ضروری خویش در جهت ارتقای فهم و کیفیت زندگی باشد.

سوالات اساسی و بنیادین که مولانای بزرگ سده‌ها پیش این چنین بیان کرده است:

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

یا چه بوده است مراد وی ازین ساختنم

چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

روزها فکر من اینست و همه شب سخنم

مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا

مرغ باغ ملکوت؛ نیم از عالم خاک

امید است مجموعه حاضر کمکی باشد در جهت فهم عمیق همه ما از «زندگی و مرگ» که جز لاینفک از دیگر هستند. کلام خویش را با ایاتی از استاد گرانقدر و فرزانه و بی بدیل تاریخ و فرهنگ و ادب ایران زمین زنده یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب که در روزهای آخر زندگی سرودند به پایان می‌برم. که تلقی و نگرش زیبایی‌ست به مرگ و زندگی ...

خوش خوش به پایان می‌رسد این روز سرگردان ما  
 زودا که با منزل شویم آرام گیرد جان ما  
 جان وارهد از دام تن دل وارهد از ما و من  
 وز پرده حرف و سخن بیرون فتد دستان ما  
 ای خواجه بازارگان از این قفس مان وارهان  
 برون فک ما را از آن تا بشنوی الحان ما  
 دره سی و نه نیستی باشد خودی زندان من  
 یارب سر زین خود هان بگشا در زندان ما  
 گر نیست درد این زندگی مرگ از چه درمانش کند  
 زین درد جانم خسته شد تا کی رسد درمان ما  
 این رندی پنهان ما از کس نند مخی چرا  
 جز مدعی آگه نشد زین رندی پنهان ما

سعید خال

۲۰ ماه ۱۳۹۴